

بررسی مقایسه‌ای میزان مهارت‌های زندگی دانشجویان رشته‌های فلسفی و غیرفلسفی دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

A comparative study of life skills between philosophy and non-philosophy students

M. Farmahini Farahani,
(Ph.D), M. Sobhaninejad,
(Ph.D) & F. Pidad, (M.A)

دکتر محسن فرمهینی فراهانی^۱: استادیار دانشگاه شاهد

دکتر مهدی سبحانی نژاد: استادیار دانشگاه شاهد

فاطمه پیداد: مدرس دانشگاه پیام نور

Abstract: This study compared life skills among students studying philosophy and other fields in the humanities. In this descriptive-comparative study, 90 philosophy students and 49 non-philosophy students were involved. The questionnaire of students' life skills was initially developed and validated by the researchers for the first time in Iran. Results showed no difference between students concerning skills related to physical and psychological health, work, goals, self awareness, and decision making. However, philosophy students significantly demonstrated higher level of skills in areas of interpersonal relationships, problem solving, critical thinking, and citizenship. No difference was found between sexes. Nevertheless, in non-philosophy group women ranked higher than men on critical thinking and job related skills.

چکیده: هدف پژوهش حاضر، مقایسه مهارت‌های زندگی دانشجویان رشته‌های مختلف فلسفی و غیرفلسفی علوم انسانی است تا میزان تاثیر مطالعات فلسفی بر رشد مهارت‌های زندگی دانشجویان فلسفی تعیین و تفاوت این دو گروه مشخص شود روش پژوهش، توصیفی-مقایسه‌ای است و جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد دوره‌های روزانه و شبانه مشغول به تحصیل در سال ۸۷-۱۳۸۶ دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بودند. حجم نمونه در گروه غیرفلسفی ۹۰ نفر و در گروه فلسفی ۴۹ نفر تعیین شد. ابزار پژوهش، فرم مقیاس سنجش مهارت‌های زندگی دانشجویان بوده که برای اولین بار در ایران توسط محقق ساخته و اعتباریابی شده است. روایی مقیاس، مورد تایید صاحب‌نظران و پایایی آن نیز با محاسبه آلفای کرونباخ در هر یک از مقیاس‌های فرعی و نهایتاً در مجموع نه مقیاس مهارت زندگی، ۰/۹۴ بدست آمد. داده‌های حاصل با دو دسته آزمون‌های توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد دانشجویان گروه فلسفی و غیرفلسفی در مهارت‌های بهداشت و سلامت جسم و روان، حرفه‌ای، داشتن هدف در زندگی، خودآگاهی و تصمیم‌گیری تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارند. اما در مهارت‌های روابط بین فردی و اجتماعی، حل مساله و تفکر انتقادی و شهروندی مسئول بودن با یکدیگر تفاوت معنی‌دار آماري دارند، به عبارت دیگر مهارت دانشجویان رشته‌های فلسفی در این چهار بعد از دانشجویان رشته‌های غیرفلسفی بیشتر است. همچنین مشخص شد که بین مهارت‌های زندگی دانشجویان گروه فلسفی و غیرفلسفی بطور کل نیز تفاوت معنی‌دار وجود دارد و میانگین امتیاز مهارت‌های زندگی دانشجویان رشته‌های مختلف فلسفی از غیرفلسفی بیشتر است. مقایسه به تفکیک جنس در دو گروه نشان داد که در گروه فلسفی زنان و مردان از نظر میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارند ولی در گروه غیرفلسفی زنان در دو مهارت تفکر انتقادی و حرفه‌ای از مردان نمره بالاتری کسب کردند.

Keywords: life skills, philosophy, students, humanities

کلید واژه‌ها: مهارت‌های زندگی، دانشجویان فلسفه، دانشجویان غیرفلسفه، علوم انسانی

مقدمه

بشر امروز بیش از هر زمانی در کنار پیشرفت‌ها و تحولات پی در پی علمی و صنعتی با ابهام و سردرگمی روبرو است و بی‌شک قرار گرفتن در قلب چنین تحولات عظیمی سلاحی نیرومند را در مواجهه با آنان می‌طلبد که آن نیز چیزی جز مهارت‌های زندگی و هنر زندگی کردن نیست. مهارت‌های زندگی به عنوان توانایی‌ها، دانش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهایی تعریف شده که برای شادمانی و موفقیت یاد آموخته می‌شوند تا این که فرد را قادر سازند با موفقیت‌های زندگی سازگار شود و بر آن‌ها مسلط گردد. (ادیب و فردانش ۱۳۸۲). این مهارت‌ها، توانایی‌های روانی - اجتماعی برای رفتار انطباقی موثر هستند زیرا افراد را قادر می‌سازند تا با مقتضیات و چالش‌های زندگی روزمره مقابله کنند. آموزش این مهارت‌ها موجب ارتقای شخصی و اجتماعی، محافظت از حقوق انسان‌ها و پیشگیری از مشکلات روانی، اجتماعی است. (لوسانی، ۱۳۷۹).

مهارت‌های زندگی بی‌شمارند، معهداً تجزیه و تحلیل دامنه مهارت‌های زندگی نشان می‌دهد که در آن بخش اصلی یا هسته مشترکی وجود دارد که عبارتند از: ۱- مهارت بهداشت و سلامت جسم و روان که عبارت است از حفظ سلامت خود از طریق آگاهی داشتن به هیجانات و فشارهای مختلف و توانایی برخورد مناسب با آن‌ها. (رمضانخانی و سیاری، ۱۳۷۸). ۲- مهارت حرفه‌ای: مهارت آگاهی از علایق، توانایی‌ها و استعدادها برای کسب یک حرفه معین و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن حرفه، توانایی انجام آن پس از اشتغال را دربر می‌گیرد. (سلی، ۲۰۰۲). ۳- مهارت روابط بین فردی و اجتماعی که شامل مهارت ارتباط موثر و روابط بین فردی است. منظور از مهارت ارتباط موثر توانایی بیان احساسات خود به صورت کلامی یا غیرکلامی است و مهارت روابط بین فردی نیز اشاره به توانایی برقراری ارتباط دوستانه با دیگران و حفظ آن دارد. (رمضانخانی و سیاری ۱۳۷۸). ۴- مهارت حل مسئله: حل مسئله یک مهارت مقابله‌ای عملی است که افراد در مواجهه با مشکلات زندگی آن را بکار می‌برند و در سازگاری خوب فرد موثر است. (به نقل از معظمی گودرزی، ۱۳۸۰). ۵- مهارت تفکر انتقادی: تفکر انتقادی فرایند قاطعانه و مصمم از قضاوت منظم است، که این فرایند به فرد امکان می‌دهد که بررسی عقلانی از حوادث، متون، تصورات، روش‌ها و موضوعات داشته باشد بیزلی و لیپ (۲۰۰۴). ۶- مهارت شهروند مسئول بودن که عبارت است از مشارکت فرد در اجتماعات و مسائل محلی و جهانی به منظور ارتقا دادن خیر ملی و شخصی. (سلی، ۲۰۰۱). ۷- مهارت داشتن هدف در زندگی یعنی توانایی انتخاب هدف‌های واقعی و عینی در زندگی و دانستن چگونگی وصول به آن‌ها. (مک‌گرا ترجمه قراچه داغی، ۱۳۸۴). ۸- مهارت خودآگاهی، یعنی توانایی شناخت خود و آگاهی از خصوصیات، نقاط ضعف و قدرت، خواسته‌ها، ترس‌ها و انزجارها. (رمضانخانی و سیاری، ۱۳۷۸). ۹- مهارت تصمیم‌گیری: تصمیم‌گیری یک فرایند ذهنی منظم است که

باعث می‌شود فرد شقوق مختلف را بشناسد، ارزیابی کند و به نتیجه برسد و گزینه ممکن را برگزیند. (وینینگهام و پرسر، ۲۰۰۱).

شاید اگر سقراط را به عنوان اولین و برجسته ترین فیلسوف بدانیم وی نخستین کسی بود که از سنخیت زندگی روزانه انسان‌ها با عقاید و ایده‌آل‌های ذهنشان سخن گفت و خود نیز تلاش کرد از تفکر خود برای پیشرفت در کارهایش استفاده کند (نهاماس، ۱۹۹۸). پس از وی، افلاطون و ارسطو و سپس فیلسوفان دیگر مثل کومینوس، روسو، پستالوزی، لاک و کانت از ارتباط فلسفه با زندگی سخن گفتند و حتی فیلسوفی مانند دیویی با بنیانگذاری مکتب پراگماتیسم، فلسفه را محدود به زندگی عملی و اجتماعی دانست و از نظر او مقصود فلسفه بهتر سازمان دادن به زندگی و فعالیت انسان در اینجا و اکنون یعنی بهتر کردن زندگی است. (نقیب زاده، ۱۳۸۱).

بیان مسئله:

اگر چه بسیاری از دانشجویانی که امروزه مشغول تحصیل در دانشگاه‌ها هستند به عنوان درسی مجزا مهارت‌های زندگی را نمی‌گذرانند، اما واضح است که بخشی از اهداف همه دروس یاد دادن ابعاد مختلف مهارت‌های زندگی است. با این وجود، این دیدگاه امروزه در مورد دروس نظری مخصوصا در سطح دانشگاهی کاملا رواج یافته که تحصیل در بعضی از رشته‌ها مخصوصا فلسفه فاقد کاربرد عملی بوده و فلسفه از یاری دادن به دانش‌آموختگانش در توانمندی‌های زندگی روزمره عاجز است. اما از طرفی بسیاری از صاحب‌نظران از جمله نهاماس^۲، ۱۹۹۸، اودی^۳، ۲۰۰۱، سالیاموسی^۴، ۲۰۰۲ معتقدند که فلسفه برای دانش‌آموختگان خود نه تنها بطور کلی سودمند است بلکه مطالعه آن باعث می‌شود که دانشجویان فلسفی بتوانند توانایی‌های نظیر تفکر خلاقانه و انتقادی به دست آورند، و بتوانند ایده‌ها و عقاید خود را به روشنی بیان کنند، مهارت‌های ارتباطی خود را توسعه دهند، توانایی تفکر مستقل و اندیشمندانه و قدرت تحلیل منطقی و حل مسئله را بدست آورند و جایگاه و شغل بهتری در جامعه کسب کنند و تکنیک‌های آن را در هر زمینه‌ای از زندگی به کار گیرند. تحقیقاتی نیز در زمینه تاثیر این علم بر مهارت‌های زندگی دانشجویان رشته‌های فلسفی و سایر افراد صورت گرفته و این تحقیقات نشان دادند مطالعات فلسفی در رشد و ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموختگان خود نقشی بسزا دارند. برای مثال تحقیق مقایسه‌ای توسط آدلمن انجام شده که نتایج نشان داد که مهارت‌های زندگی دانشجویان فلسفی در بعضی از ابعاد بر دانشجویان غیرفلسفی برتری دارد. (به نقل از هوکما، ۱۹۸۶).

2. Nehamas

3. Audi

4. Solymosiy

بررسی مقایسه ای میزان مهارت‌های زندگی دانشجویان رشته‌های...

در نتیجه پژوهش دیگری که توسط آنیس و آنیس^۵ جهت مقایسه تفکر انتقادی (یکی از مهم ترین مولفه های مهارت های زندگی) دو گروه دانشجویان فلسفی و غیرفلسفی صورت گرفته نشان داده شد که مهارت تفکر انتقادی دانشجویان فلسفی از غیرفلسفی بالاتر است. (آنیس و آنیس ۲۰۰۴). تحقیقات افراد دیگری از جمله کلارک و هولت^۶ در سال ۲۰۰۲ و ویلکین^۷ (Wilkin) ۲۰۰۲، نتایج مشابهی را نشان داد.

با آنکه دانش فلسفه نیز شاخه‌ای از معارف بشری است که به تقویت ابعاد مختلف مهارت های زندگی در افراد کمک می‌کند ولی هنوز موثر بودن مطالعات فلسفی در زندگی عملی دانش آموختگان آن یکی از موضوعات مبهم و بحث برانگیز در جامعه و به خصوص فراگیران و دانشجویان رشته‌های مختلف فلسفی است. بنابراین با توجه به مسائل فوق لازم است تعیین شود که آیا درک و نگرشی را که دانشجویان رشته‌های مختلف فلسفی بر اثر مطالعات فلسفی بدان نایل می‌شوند تاثیری بر مهارت‌های زندگی ایشان دارد یا خیر؟ این پژوهش از نوع علی مقایسه ای است که در آن دو گروه دانشجویان کارشناسی ارشد رشته های فلسفی و غیرفلسفی (گروه مطالعه و مقایسه) مشغول به تحصیل در دانشگاه های دولتی شهر تهران انتخاب و سپس دو گروه را از نظر سن، جنس، دانشگاه های مشغول به تحصیل، مقطع تحصیلی و دانشجوی دولتی بودن، همگن گردید و سپس مهارت های زندگی دو گروه را مورد مقایسه قرار داد و تاثیر درک فلسفی را که بر اثر تحصیل در یکی از رشته های فلسفی بدست می آید، بر مهارت های زندگی دانشجویان رشته‌های فلسفه مورد سنجش قرار داد و تفاوت آن ها را با دانشجویان سایر رشته‌های غیرفلسفی علوم انسانی مشخص ساخت.

هدف کلی تحقیق

هدف تعیین و مقایسه میزان مهارت‌های زندگی دانشجویان رشته‌های فلسفی و غیرفلسفی دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ است.

فرضیه های تحقیق

- ۱- میزان مهارت تصمیم گیری بین دانشجویان رشته های فلسفی و غیرفلسفی متفاوت است.
- ۲- میزان مهارت حل مسئله بین دانشجویان رشته های فلسفی و غیرفلسفی متفاوت است.
- ۳- میزان مهارت تفکر انتقادی بین دانشجویان رشته های مختلف فلسفی و غیرفلسفی متفاوت است.

5. Annis&Annis

6. Clarke & Holt

7. Wilkin

۴- میزان مهارت روابط بین فردی و اجتماعی بین دانشجویان رشته‌های فلسفی و غیرفلسفی متفاوت است.

۵- میزان مهارت خودآگاهی بین دانشجویان رشته‌های فلسفی و غیرفلسفی متفاوت است.

۶- میزان مهارت داشتن هدف در زندگی بین دانشجویان رشته‌های فلسفی و غیرفلسفی متفاوت است.

۷- میزان مهارت حفظ سلامت جسمی و روانی بین دانشجویان رشته‌های فلسفی و غیرفلسفی متفاوت است.

۸- میزان مهارت شهروند مسئول بودن بین دانشجویان رشته‌های فلسفی و غیرفلسفی متفاوت است.

۹- میزان مهارت حرفه‌ای بین دانشجویان رشته‌های فلسفی و غیرفلسفی متفاوت است.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی - مقایسه‌ای است که در آن دو گروه دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های فلسفی و غیرفلسفی (گروه مطالعه و مقایسه) مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران انتخاب گردید و سپس دو گروه را از نظر سن، جنس، دانشگاه‌های مشغول به تحصیل، مقطع تحصیلی و دانشجوی دولتی بودن، همگن نمودند.

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مقیاس محقق‌ساخته مهارت زندگی است. محقق پس از جستجوی فراوان در منابع داخلی و خارجی موفق به یافتن تست جامع مهارت‌های زندگی که همه ابعاد اصلی آن را بسنجد نگردید، لذا به جهت خلاء ابزار اندازه‌گیری مهارت‌های زندگی، اقدام به ساختن آن نمود. این پرسشنامه شامل نه مولفه اصلی مهارت‌های زندگی است که عبارتند از: ۱- مهارت بهداشت و سلامت جسمی و روانی (هشت آیتم)، مهارت حرفه‌ای (نه آیتم)، مهارت روابط بین فردی و اجتماعی (نه آیتم)، مهارت حل مسئله (هفت آیتم)، مهارت تفکر انتقادی (۱۱ آیتم)، مهارت شهروند مسئول بودن (یک آیتم)، مهارت داشتن هدف در زندگی (نه آیتم)، مهارت خودآگاهی (هفت آیتم) و مهارت تصمیم‌گیری (نه آیتم) است.

روایی و پایایی پرسشنامه

محقق ابتدا با استفاده از کتب، مقالات، رسالات، پرسشنامه‌ها و تست‌های مرتبط، جمعا موفق به جمع‌آوری و ساخت ۲۰۰ آیتم در مورد نه مهارت ذکرشده گردید. پس از آن تعداد ۱۱۲ آیتم که برگرفته از معتبرترین و موفق‌ترین منابع بوده و مرتبط‌تر از سایر آیتم‌ها بوده و قابلیت ارزیابی بیشتری داشتند،

بررسی مقایسه ای میزان مهارت‌های زندگی دانشجویان رشته‌های...

برگزیده شدند. سپس محقق برای تعیین روایی (Validity) پرسشنامه، آنرا در اختیار ۱۰ نفر از صاحب‌نظران و متخصصین امر قرار داد و پس از نظرخواهی از آنان تعداد آیت‌ها به ۸۸ آیتم تقلیل یافت. سپس این تعداد آیت‌ها، بدون ذکر نام مقیاس‌ها (درهم) در اختیار ۱۰۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های علوم انسانی قرار داده شد و ضریب همبستگی آن بوسیله آلفای کرونباخ مشخص گردید. در این مرحله نیز ۱۳ آیت‌ها که دارای ضریب همبستگی کمتری با بقیه سوالات بودند، حذف شدند. ضریب همبستگی تک‌تک آیت‌ها با کل و سپس ضریب همبستگی آیت‌های هر مقیاس با بقیه و در نهایت ضریب همبستگی آیت‌های کلیه مقیاس‌ها با یکدیگر محاسبه گردید که میزان آن برابر ۰/۹۴۶ بود. محقق پرسشنامه را پس از دو هفته دوباره در اختیار همان ۱۰۰ نفر قرار داد که این بار نیز ضریب اعتبار آن با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۹۱۳ بود. بدین ترتیب در نهایت ۷۵ آیت‌ها برای پرسشنامه نهایی تنظیم شد که در اختیار دانشجویان گروه فلسفی و غیرفلسفی جهت پاسخگویی قرار گرفت. نحوه نمره‌گذاری از آنجا که گزینه‌ها بر روی طیف ۵ درجه‌ای لیکرت تنظیم شده‌اند نمره‌گذاری از ۵ به ۱ (کاملاً موافقم، ۵، موافقم، ۴، تا حدودی، ۳، مخالفم، ۲، کاملاً مخالفم، ۱) و در آیت‌های با محتوی منفی یا معکوس، از ۱ به ۵ انجام می‌شود. نمره کل هر مقیاس (مهارت) برابر با میانگین نمرات هر یک از آیت‌های آن مقیاس و نمره کل تست برابر با مجموع نمرات ۹ مقیاس می‌باشد. کسب امتیاز بیشتر در این تست نمایانگر موقعیت برتر فرد در مقیاس مورد نظر یا در کل تست می‌باشد.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانشجویان سال آخر دوره‌های کارشناسی ارشد رشته‌های مختلف فلسفی شامل رشته‌های فلسفه محض، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، منطق، الهیات با گرایش فلسفه و سایر رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بود که در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ به صورت روزانه یا شبانه مشغول به تحصیل بودند.

حجم نمونه

حجم نمونه در هر یک از دو گروه دانشجویان با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه^۸ در سطح اطمینان ۹۵٪ و توان آزمون ۹۰٪ محاسبه شد و با فرض اینکه اگر اختلاف میانگین امتیاز کسب شده مهارت‌های

8

$$n > \frac{(z_{1-\frac{\alpha}{2}} + z_{1-\beta})^2 (s_1^2 + s_2^2)}{d^2}$$

زندگی در دو گروه حداقل برابر با ۰/۱ باشد آنگاه اختلاف از نظر آماری معنی دار تلقی گردد پس از مقدارگذاری در فرمول تعیین حجم نمونه و اعمال ضریب روش نمونه گیری، حجم نمونه در گروه فلسفه ۴۹ نفر و در غیرگروه فلسفی ۹۰ نفر تعیین شد. لازم به ذکر است که واریانس های متغیر مهارت های زندگی (متغیر وابسته) در هر یک از دو گروه فلسفی و غیرفلسفی بر اساس پایلوت انجام شده (اجرای آزمایشی پژوهش) در دو گروه ۰/۱۶ برآورد گردید.

نمونه آماری و روش نمونه گیری

برای انتخاب نمونه های پژوهش در گروه فلسفی از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم جامعه استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا هر یک از دانشگاه های دولتی شهر تهران به عنوان یک طبقه در نظر گرفته شد، سپس حجم نمونه برآورد شده به نسبت تعداد دانشجویان جامعه پژوهش در هر طبقه تعیین شد.

برای انتخاب نمونه های پژوهش در گروه غیرفلسفی از روش نمونه گیری چند مرحله ای استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا از هر دانشگاه یک رشته غیرفلسفی علوم انسانی به تصادف انتخاب گردید و سپس در هر خوشه از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم جامعه استفاده شد که نتایج آن به همراه تعداد افراد جامعه در جدول ۱ آمده است.

برای انجام نمونه گیری، پژوهشگر به دانشگاه های مختلف و در زمان های مختلف تا رسیدن به تعداد نمونه مورد نظر مراجعه نمود.

جدول ۱. توزیع حجم جامعه در دانشگاه های دولتی شهر تهران و حجم نمونه برآورد شده

رشته های فلسفی		رشته های غیر فلسفی		رشته دانشگاه
حجم نمونه برآورد شده	حجم جامعه	حجم نمونه برآورد شده	حجم جامعه	
۷	۱۵	۷	۱۳۲	تربیت مدرس
۳	۶	۳	۵۶	تربیت معلم
۱۵	۳۰	۲۸	۵۲۸	تهران
۱۵	۳۰	۲۹	۵۴۷	علامه
۵	۱۰	۲۲	۴۱۵	شهید بهشتی
۴	۸	۱	۱۷	شاهد
۴۹	۹۹	۹۰	۱۶۹۵	جمع

روش تجزیه و تحلیل داده ها

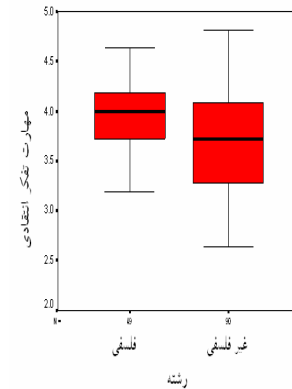
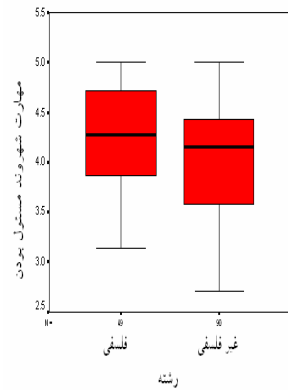
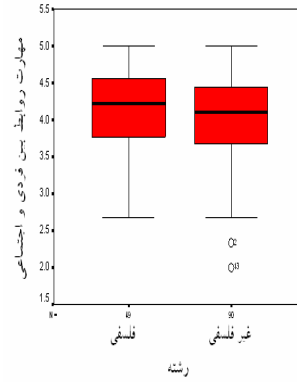
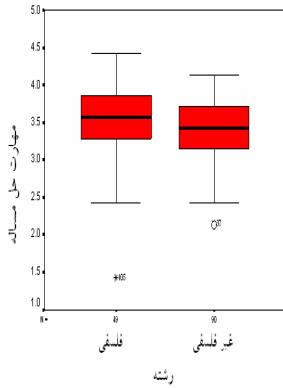
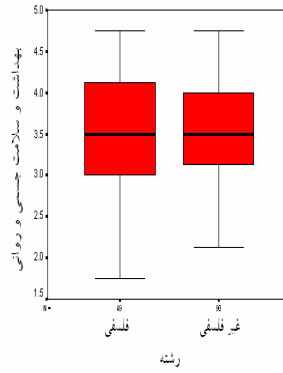
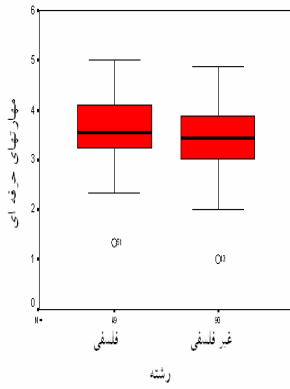
جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد، بدین ترتیب که ابتدا برای توصیف واحدهای مورد پژوهش از نظر مشخصات فردی و نیز تعیین میزان مهارت آن‌ها در هر یک از مقیاس‌ها به تفکیک در دو گروه مورد مطالعه جداول توزیع فراوانی و نمودار تنظیم شد و شاخص‌های آماری میانگین و انحراف معیار نیز محاسبه گردید. برای مقایسه امتیاز کسب شده نیز در هر مقیاس در دو گروه، از آزمون t مستقل استفاده شد. در نهایت برای کنترل اثر جنس در مقایسه دو گروه، از آنالیز واریانس دو راهه استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم افزار آماری SPSS انجام شد.

مشخصات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان

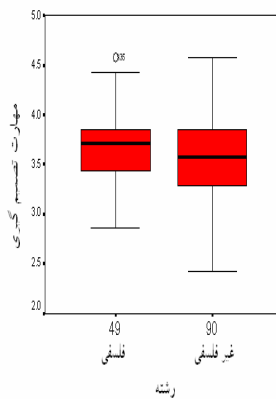
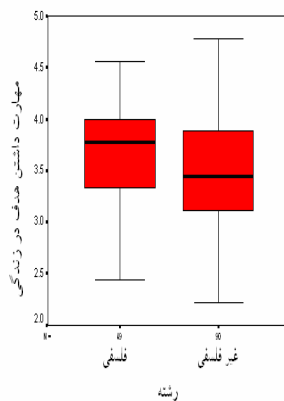
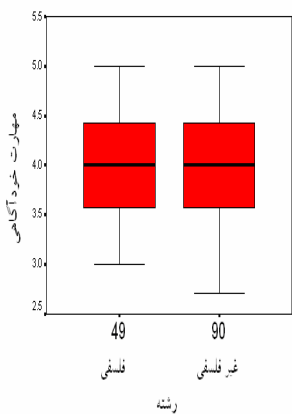
آزمون K نشان داد که هر دو گروه فلسفی و غیرفلسفی از نظر جنس، سن، وضعیت تاهل، دانشگاه محل تحصیل و شاغل یا غیرشاغل بودن همگن هستند. در رشته‌های فلسفی ۵۱/۱ درصد زن و ۴۸/۹ درصد مرد و در رشته‌های غیرفلسفی ۵۵/۱ درصد زن و ۴۴/۹ مرد هستند. بیشترین فراوانی دانشجویان گروه فلسفی و غیرفلسفی، گروه سنی ۲۵ سال است. از نظر وضعیت تاهل، در هر دو گروه فلسفی ۵۹/۲ درصد و در گروه غیرفلسفی ۶۶/۷ درصد مجردند. در گروه فلسفی ۵۴/۲ و در گروه غیرفلسفی ۵۸/۴ غیرشاغلند. بیشترین فراوانی در دو گروه فلسفی و غیرفلسفی مربوط به دانشجویان دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبائی است.

بحث و نتیجه گیری

به منظور مقایسه جداگانه هر یک از مهارت‌های زندگی در دو گروه فلسفی و غیرفلسفی میانگین امتیازات دانشجویان در دو گروه فلسفی و غیرفلسفی در هر یک از مهارت‌های زندگی در جدول ۲ آورده شده و در شکل ۱ نیز به صورت نمودار جعبه‌ای نمایش داده شد. در جدول ۲ نتایج آزمون t مستقل نیز نمایش داده شد. این نتایج بیانگر این مطلب است که بین دانشجویان در دو گروه فلسفی و غیرفلسفی از نظر مهارت‌های بهداشت و سلامت جسمی و روانی، حرفه‌ای، داشتن هدف در زندگی، داشتن خودآگاهی و تصمیم‌گیری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. اما از نظر مهارت‌های روابط بین فردی و اجتماعی، حل مساله، شهروند مسئول بودن و تفکر انتقادی تفاوت بین دو گروه معنی‌دار است. شایان توجه است که در مهارت تفکر انتقادی میزان $p\text{-value} = 0.000$ نشان داد که دانشجویان رشته‌های فلسفی در زمینه مهارت تفکر انتقادی بر دانشجویان رشته‌های غیرفلسفی علوم انسانی برتری زیادی دارند.



بررسی مقایسه ای میزان مهارت‌های زندگی دانشجویان رشته‌های...



شکل ۲. نمودار جعبه‌ای مقایسه امتیاز هر یک از مهارت‌های زندگی در دو گروه دانشجویان فلسفی و غیرفلسفی مورد مطالعه

جدول ۲. شاخص‌های آماری مهارت‌های زندگی در دانشجویان رشته‌های فلسفی و غیرفلسفی و نتایج آزمون t مستقل حاصل از مقایسه دو گروه

نتایج آزمون t	انحراف معیار	میانگین	گروه‌ها	مهارت‌های زندگی
T=0/291 Df=137 p-value=0/772	۰/۷۱	۳/۴۸	فلسفی	بهداشت و سلامت
	۰/۵۶	۳/۵۱	غیرفلسفی	جسمی و روانی
T= 1.18 Df=137 p-value=.237	۰/۶۹۳	۳/۵۷	فلسفی	حرفه ای
	۰/۶۷۵	۳/۴۳	غیرفلسفی	
T=1.98 Df=137 p-value=0.04	۰/۵۵۶	۴/۱۷	فلسفی	روابط بین فردی و اجتماعی
	۰/۵۹۸	۳/۹۷	غیرفلسفی	
T=2.001 Df=137 p-value=0.047	۰/۵۰۵	۳/۵۶	فلسفی	حل مسئله
	۰/۴۱۵	۳/۴۰	غیرفلسفی	
T=3.618 Df=137 p-value=0.000	۰/۳۵۲	۳/۹۷	فلسفی	تفکر انتقادی
	۰/۴۹۵	۳/۶۸	غیرفلسفی	
T=2.000 Df=137 p-value=0.041	۰/۵۴۳	۴/۴۵	فلسفی	شهروند مسئول بودن
	۰/۵۶۵	۴/۰۷	غیرفلسفی	
T=1.785 Df=137 p-value=0.76	۰/۵۲۶	۳/۶۸	فلسفی	داشتن هدف در زندگی
	۰/۵۱۴	۳/۵۲	غیرفلسفی	
T=.350 Df=137 p-value=.727	۰/۵۵۵	۴/۰۵	فلسفی	داشتن خودآگاهی
	۰/۶۰۵	۴/۰۲	غیرفلسفی	
T=1.625 Df=137 p-value=.107	۰/۳۸۸	۳/۶۹	فلسفی	تصمیم‌گیری
	۰/۴۶۳	۳/۵۶	غیرفلسفی	

جدول ۳. شاخص‌های آماری مهارت‌های زندگی کل در دانشجویان رشته‌های فلسفی و غیرفلسفی و نتایج آزمون t مستقل حاصل از مقایسه مهارت‌های زندگی در دو گروه

نتایج آزمون t	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	گروه‌ها
T=2.095 Df=137 p-value=.038	۰/۳۵۸	۳/۸۳	۴۹	فلسفی
	۰/۳۸۷	۳/۶۹	۹۰	غیرفلسفی

بررسی مقایسه ای میزان مهارت‌های زندگی دانشجویان رشته‌های...

جدول ۳ مقایسه مهارت‌های زندگی دانشجویان دو گروه فلسفی و غیرفلسفی را به صورت کلی و جدای از زیرمجموعه‌ها بیان می‌کند. این جدول نشان می‌دهد دانشجویان رشته‌های فلسفی در زمینه برخورداری از مهارت‌های زندگی، به طور متوسط امتیاز ۳/۸۳ را کسب کرده‌اند و دانشجویان غیرفلسفی میانگین امتیازشان ۳/۶۹ است. همچنین نتایج آزمون t مستقل نشان می‌دهد که بین دو گروه دانشجویان مورد مقایسه از نظر برخورداری از مهارت‌های زندگی با $p\text{-value} = 0/038$ از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. یعنی مهارت‌های زندگی دانشجویان فلسفی و غیرفلسفی با هم متفاوت است.

جدول ۴. میانگین و انحراف معیار مقیاس‌های مهارت‌های زندگی به تفکیک جنس در گروه فلسفی و نتایج آزمون t مستقل

نتایج آزمون t	مرد		زن		جنس
	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	مقیاس‌ها
T=0/23 p-value=0/81	0/73	3/51	0/70	3/46	بهداشت و سلامت جسم و روان
T=1/20 p-value=0/23	0/81	3/44	0/57	3/68	حرفه‌ای
T=1/11 p-value=0/26	0/57	4/27	0/53	4/1	روابط بین فردی و اجتماعی
T=0/10 p-value=0/91	0/66	3/57	0/34	3/55	حل مسئله
T=0/16 p-value=0/86	0/37	3/98	0/34	3/96	تفکر انتقادی
T=0/48 p-value=0/63	0/46	4/29	0/60	4/2	شهروند مسئول بودن
T=0/56 p-value=0/57	0/54	3/72	0/52	3/64	داشتن هدف در زندگی
T=0/15 P=0/88	0/62	4/04	0/51	4/06	خودآگاهی
T=0/36 p-value=0/71	0/41	3/66	0/37	3/7	تصمیم‌گیری
T=0/12 p-value=0/90	0/4	3/83	0/33	3/82	جمع مهارت‌ها

جدول ۵. میانگین و انحراف معیار مقیاس‌های مهارت‌های زندگی به تفکیک جنس در گروه غیرفلسفی و نتایج آزمون t مستقل

نتایج آزمون t	مرد		زن		جنس مقیاس‌ها
	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
T=۱/۶۱ p-value=۰/۱۱	۰/۵۶	۳/۶۱	۰/۵۴	۳/۴۲	بهداشت و سلامت جسمی و روانی
T=۲/۷۷ p-value=۰/۰۰۷	۰/۵۴	۳/۲۳	۰/۷۴	۳/۶۱	حرفه‌ای
T=۰/۶۳ p-value=۰/۵۲	۰/۵۳	۴/۰۲	۰/۶۶	۳/۹۴	روابط بین فردی و اجتماعی
T=۰/۳ p-value=۰/۷۶	۰/۴۳	۳/۳۸	۰/۳۹	۳/۴۱	حل مسئله
T=۲/۱۵ p value=۰/۰۳۴	۰/۴۶	۳/۵۷	۰/۵۱	۳/۷۹	تفکر انتقادی
T=۰/۰۵۳ p-value=۰/۹۵	۰/۴۹	۴/۰۷	۰/۶۳	۴/۰۷	شهروند مسئول بودن
T=۰/۳۹ p-value=۰/۶۹	۰/۴۸	۳/۵۳	۰/۵۴	۳/۴۹	داشتن هدف در زندگی
T=۰/۰۹ p-value=۰/۹۲	۰/۵۸	۴/۰۱	۰/۶۳	۴/۰۲	خودآگاهی
T=۱/۲۴ p-value=۰/۲۱	۰/۴۸	۳/۴۹	۰/۴۴	۳/۶۱	تصمیم‌گیری
T=۰/۵۹ p-value=۰/۵۵	۰/۳۴	۳/۶۶	۰/۴۲	۳/۷۱	جمع مهارت‌ها

علاوه بر نتایج به دست آمده حاصل از مقایسه مهارت‌های زندگی در دو گروه، دانشجویان هر دو گروه از نظر جنس، مورد بررسی قرار گرفتند، تا مشخص شود که آیا در هر یک از دو گروه، مهارت‌های زندگی مردان با زنان تفاوت معنی‌دار است یا خیر. بدین منظور نیز از آزمون t مستقل استفاده شد که نتایج به دست آمده در جدول‌های ۴ و ۵ ارائه شده است. نتایج در گروه دانشجویان رشته‌های فلسفی نشان داد که در هیچکدام از مقیاس‌ها بین دو جنس تفاوت معنی-دار آماری وجود ندارد. در حالیکه در گروه دانشجویان رشته‌های غیرفلسفی در مقیاس‌های

بررسی مقایسه ای میزان مهارت‌های زندگی دانشجویان رشته‌های...

مهارت حرفه‌ای و تفکر انتقادی بین زنان و مردان از نظر آماری تفاوت معنی‌دار وجود دارد و میزان این مهارت‌ها در زنان بالاتر از مردان است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد که در مهارت‌های مربوط به فرضیه‌های شماره سه، چهار، پنج و شش یعنی مهارت‌های روابط بین فردی و اجتماعی، مهارت حل مسئله، تفکر انتقادی و مهارت شهروند مسئول بودن بین دو گروه تفاوت معنی‌دار وجود دارد، یعنی دانشجویان گروه فلسفی امتیاز بالاتری را نسبت به غیرفلسفی‌ها کسب نموده‌اند. یافته‌های این تحقیق در زمینه مهارت روابط بین فردی و اجتماعی همسو با یافته‌های تحقیق آدلمن است که در تحقیق خود در مقایسه مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی دانشجویان رشته‌های فلسفی و سایر رشته‌های علوم انسانی نشان داد که میانگین امتیاز مهارت ارتباطی دانشجویان رشته‌های فلسفی از غیرفلسفی بالاتر است. (آدلمن، ۱۹۹۸). در رابطه با مهارت حل مساله اگرچه تحقیقی به طور مجزا صورت نگرفته که نشان دهنده تاثیر فلسفه بر بهبود این مهارت در افراد باشد اما می‌توان گفت که یافته‌های تحقیق در این قسمت همراستای نظرات (اسلومن، ۱۹۷۱، اودی ۲۰۰۲، میگوئی ۲۰۰۵ و سالیوموسی، ۲۰۰۲) است که همگی عقیده دارند که فلسفه باعث بهبود مهارت حل مسئله در افراد می‌شود یافته‌های این تحقیق در زمینه مهارت تفکر انتقادی با نتایج تحقیقات (آدلمن ۱۹۹۸ و آنیس و آنیس ۲۰۰۴) موافق است. این دو محقق نیز در یافته‌های تحقیق خود گزارش کرده‌اند که مهارت تفکر انتقادی دانشجویان رشته‌های فلسفی از غیرفلسفی بالاتر است همچنین یافته‌های این تحقیق با نظرات تعداد دیگری از صاحب‌نظران که عقیده دارند فلسفه، مهارت تفکر انتقادی دانش‌آموختگان خود را ارتقا می‌بخشد، همسو است. آنیس و آنیس ۲۰۰۴، لیپمن ۲۰۰۳، جهانی ۱۳۸۱، پاکین و استرول به ترجمه مجتبوی ۱۳۸۴، آموزگار ۱۳۷۹، نقیب زاده ۱۳۸۰، هاسپرس ۱۹۹۷، اودی ۲۰۰۲، کلارک و هولت ۲۰۰۲، ویل دورانت ۱۳۸۰ که همچنین نتایج این تحقیق، نظرات اودی ۲۰۰۲ و گراهام ۲۰۰۰ را که معتقدند آموخته‌های فلسفی باعث بهبود مهارت شهروند مسئول بودن در افراد می‌شود را تایید کرد.

اما دو گروه در مهارت‌های بهداشت و سلامت جسمی و روانی، مهارت حرفه‌ای، مهارت داشتن هدف در زندگی، مهارت خودآگاهی و تصمیم‌گیری یعنی مهارت‌های مربوط به فرضیه‌های شماره یک، دو، هفت، هشت و نه تفاوتی با یکدیگر ندارند و هر دو گروه از نظر این مهارت‌ها در سطح یکسانی هستند. در رابطه با این فرضیه‌ها حداقل دو تبیین می‌توان ارائه کرد:

۱) یک احتمال این است که واقعا آموخته‌های فلسفی و نگرش حاصل از آن و تحصیل در رشته فلسفه بر این مهارت‌ها هیچ تاثیری ندارد. در صورتیکه تعداد زیادی از نظریه‌پردازان و پژوهشگران تاثیر آموخته‌های فلسفی و بدست آوردن درک و بینش در زمینه فلسفه را بر بهبود این مهارت‌ها در افراد تایید کرده‌اند. از آن جمله در زمینه مهارت بهداشت و سلامت جسمی و روانی، نظرات (راسل، کپی برداری در سال ۲۰۰۸)، در زمینه مهارت حرفه‌ای (براون ۲۰۰۱، میگوئی ۲۰۰۶، ملوی ۲۰۰۴، سالیموسی ۲۰۰۲، اودی ۲۰۰۲ و ویلیکین ۲۰۰۲ و کلارک و هولت ۲۰۰۲)، در زمینه مهارت داشتن هدف در زندگی (میگوئی ۲۰۰۵، اودی ۲۰۰۲، کانینگهام به نقل از گوتک ترجمه پاک سرشت ۱۳۸۴) و در زمینه مهارت خودآگاهی (ماتیولا ۲۰۰۴)، میگوئی ۲۰۰۵) و تاکیدات فیلسوفان بزرگ مانند سقراط و در زمینه مهارت تصمیم‌گیری (اودی ۲۰۰۲) شاهد این مدعاست. بنابراین شاید این تبیین مناسبی نباشد که ادعا کنیم که به طور قطع آموخته‌های فلسفی بر بهبود این مهارت‌ها تاثیر ندارند. لذا یقینی بودن چنین احتمالی ضعیف به نظر می‌رسد و در این زمینه به تحقیقات بیشتری نیاز می‌باشد. در عین حال موارد زیر را نیز می‌توان بعنوان دلایل احتمالی عدم تاثیر آموزش فلسفه بر بهبود مهارت‌های زندگی برشمرد:

الف- روش تدریس فلسفه: به قول نهاداس در اکثر موارد فلسفه‌ای که بصورت آکادمیک تدریس می‌شود، فلسفه عملی نیست بلکه فقط چگونگی تدریس فلسفه را یاد می‌دهد در حالیکه فلسفه می‌تواند هنر زندگی کردن را یاد دهد (نهاداس، ۱۹۹۸).

ب- متنوع بودن رشته‌های فلسفی مورد مطالعه: بعنوان نمونه رشته فلسفه تعلیم و تربیت به دانش‌آموختگان خود آموزش‌های ناب فلسفی را در همه شاخه‌ها ارائه نمی‌دهد و فقط به آموزش قسمتی از فلسفه می‌پردازد که مربوط به تعلیم و تربیت است و این در حالیست که مثلا فلسفه سیاسی بهتر می‌تواند در دانشجویان، مهارت شهروندی و اجتماعی ایجاد کند.

۲) این احتمال وجود دارد که واقعا آموخته‌های فلسفی و تحصیل در این رشته و بدست آوردن بینش در این زمینه باعث بهبود این مهارت‌ها در افراد شود، اما این تحقیق به آن دست پیدا نکرده باشد. در این صورت ممکن است عواملی مانند مناسب نبودن ابزار بکار گرفته شده، شرایط پاسخ‌دهی آزمون‌شوندگان، عدم صداقت آزمودنی‌ها در پاسخگویی به سوالات، عدم تمرکز و واقع‌گویی در پاسخ دادن به سوالات، میزان تحمل آنان در پاسخ دادن دقیق به پرسشنامه و موقعیتی که در آن به سوالات پاسخ داده‌اند از جمله عواملی باشند که در تضعیف این تاثیر، نقش داشته‌اند. تحقیقات بیشتر در این زمینه می‌تواند ما را به روشنی بیشتری در مورد ارتباط فلسفه با این مهارت‌ها برساند.

منابع

- آموزگار، محمدحسن (۱۳۷۹) فلسفه و مکتب‌های تربیتی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول
ادیب، یوسف و فردانش، هاشم (۱۳۸۲). مهارت‌های زندگی مورد نیاز دانش آموزان مقطع راهنمایی.
نشریه دانشور. سال دهم. دوره جدید. شماره ۳. صفحه ۲۱
- پاپکین ریچارد، استرول آروم (۱۳۸۴) ترجمه مجتبی، سید جلال الدین، کلیات فلسفه، انتشارات
حکمت، چاپ بیست و یکم
- جهانی، جعفر (۱۳۸۱). نقد و بررسی الگوی آموزشی تفکر انتقادی لیپمن، پایان نامه کارشناسی ارشد
دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران
- دورانت، ویل (۱۳۸۰) ترجمه زریاب، عباس، تاریخ فلسفه، چاپ شانزدهم، شرکت انتشارات علمی و
فرهنگی، تهران
- گوتک، جرالد ال. ترجمه پاک سرشت، محمد جعفر. مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، انتشارات سمت،
چاپ چهارم تابستان ۱۳۸۴
- لواسانی، فتحعلی (۱۳۷۹) مهارت‌هایی برای زندگی، مقاله آموزش و مهارت‌های زندگی، تهران، سازمان
پژوهش و برنامه ریزی درسی
- رمضانخانی، علی و سیاری، علی اکبر (۱۳۷۸). پژوهش بررسی وضعیت آموزش مهارت‌های زندگی در
نظام آموزش و پرورش، دفتر همکاری‌های بین الملل
- معظمی گودرزی، بهمن (۱۳۸۰). بررسی تاثیر آموزش تنش زدایی تدریجی و مهارت‌های مقابله ای (حل
مسئله) بر میزان تنیدگی و شیوه های مواجهه دختران فراری، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم
انسانی تربیت مدرس
- مک گرا، فیلیپ (۱۳۸۴). ترجمه قراچه داغی، مهدی، مهارت‌های زندگی، نشر آسیم، چاپ سوم
- نقیب زاده، میرعبدالحسین، (۱۳۸۱). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، انتشارات طهوری، چاپ
پانزدهم، تابستان
- نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۸۰)، درآمدی به فلسفه، انتشارات طهوری، چاپ پنجم پاییز

Adelman, H (1998). The philosophy of the university.” *Higher Education* 7(February): 87–93
Seely, A. (2002). Life skills. This document was adopted by the Utah state board of education in 1996. Minor formatting changes were made in 2001.

Annis, L.F. and Annis D.B. (2004). The impact of philosophy on students critical thinking ability. *Contemporary educational psychology*, 4(3): 219-226

Audi, Robert, (2002). Philosophy: The value of philosophy, The American Philosophical Association .

Audi, Robert, (2001). Philosophy: A brief Guide for Undergraduates, The American Philosophical Association

Brown, A.B. (2001). Promting adolescent livelihoods: A discussion paper prepared for the commonwealth youth programme and UNICEF

- Clark David J. & Holt ,Janet,(2002).. Philosophy: A key to open the door to critical thinking ,journal of Nurse Education Today, vol 21.pages 71-78, Harcourt publishers ltd
- Graham, J.W. (2000). Promoting civic virtue organizational citizenship behavior: Contemporary questions rooted in classical quandaries from political philosophy.journal of Human resource management review, 10(1):61-77.
- Hospers J. (1997). An introduction to philosophical analysis, 4th edition, Routledge, London
- Hoekema, David, (1998). Wath can you do with a philosophy mager? American philosophical Association. Departeman of education. Pages 729-739
- Knapp, S. and T jeltveit, C. (2005). A review and critical analysis of philosophical counseling. Professional psychology:journal of Reasearch and practice, 36(5): 558-565.
- Lipman,Matthew (2003)."Thinking in Education", Cambridge, the university press of Cambridge
- Melville, Marilyn j.(2004). Handbook, Section Three, Careers for philosophers, Department of Philosophy, Wellesley Colleg.
- Matula, L.L. (2004). Character education and social-emotional learning: Why we must teach the whole child. [http: www. Mindoh.com](http://www.Mindoh.com)
- Migotti, M. (2005).What is philosophy? Department of philosophy , University of Calgary. [http: www. Ucalgary.ca](http://www.Ucalgary.ca)
- Nehamas, A. (1998). The Art of Living; Socratic Reflections from Plato to Foucault. Berkeley: University of California Press, 1998.
- Russell, B. Copyright (2008). Philosophy for laymen from "Unpopular Essays".
- Slovan, A. (1971). Interactions between philosophy and artificial intelligence: The role of intuition and non-logical reasoning in intelligence.journal of Artificial Intelligence, 2(3-4):209-225
- Solymosiy, Tibor, (2002). Philosophy: what is it good for An formal report on the importance of philosophy.
- Winningham, Mary L & Preusser, Barbara A. (2001), Critical Thinking in medical-surgical settings: A Case Study Approach. [www. Ontario/ Elemetary and Secondary/ Curriculum and policy/ Secondary/ Philosophy](http://www.Ontario/ElementaryandSecondary/Curriculumandpolicy/Secondary/Philosophy)
- Wilkin, Kattheleen, (2002). A critical analysis of the philosophy, knowledge and theory underpinning mouth care practice for the intensive care unit patient.